

هاشمی رفسنجانی

در انتخابات

ریاست جمهوری



شهراد افشاری
روزنامه نگار و کارشناس
علوم سیاسی و بین الملل

برده و یا "مرد آهنین" یاد می کنند. از سوی دیگر برخی جناح ها و احزاب، چرخش مدام و تغییر نگرش او به عملکرد جریان های سیاسی را نقطه ضعف "مرد آهنین" می دانند و مدعی هستند که برخی از چهره های سرشناس و سیاسی کشور که به دلیل موضع گیری های خود علیه هاشمی، هم اینک دچار مشکل شده اند این وضعیت را ناشی از رایزنی های پشت پرده این سیاستمدار کهنه کار می دانند، بنابراین چندان دل خوشی از او ندارند. اما صرف نظر از دیدگاه احزاب درباره هاشمی رفسنجانی باید اذعان کرد: بدون شک وی همچنان یکی از تأثیرگذارترین سیاستمداران حال حاضر کشور است که نفس حضورش در عرصه انتخابات، می تواند معادلات قدرت را دستخوش تغییر و تحول کند. هاشمی از مبعود روحانیونی است که قبل از انقلاب با سفر به اروپا و آمریکا در جریان تحولات سیاسی و اقتصادی آن کشورها قرار گرفته و پس از انقلاب نیز با تجارینی که در اداره مجلس، قوه مجریه و مجمع تشخیص مصلحت نظام داشته، به مودی

اگر چه آمدن یا نیامدن نامزدهای اصلی جناح اصول گرا منوط به تصمیم گیری نهایی مهندس موسوی است که وی نیز رسماً اعلام کرد. کاندید نخواهد شد اما نکته مهم در این میان تمایل هاشمی رفسنجانی برای بازگشت مجدد به ساختمان خیابان پاستور و به دست گرفتن قدرت اجرایی کشور است. اگر با این پیش فرض و نگاه مثبت افکار عمومی به انتخاب مجدد هاشمی توجه شود، در این صورت علاوه بر تغییرهای بنیادین در عرصه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور، برخی از احزاب شکست خورده و منزوی نیز مجدداً به صحنه سیاسی باز خواهند گشت. در عوض برخی دیگر از احزاب به گوشه عزلت روی خواهند آورد.

هدف اصلی این نوشتار، بررسی احتمالی حضور هاشمی رفسنجانی در

انتخابات ریاست جمهوری و تأثیر و پیامدهای سیاسی و اقتصادی آن بر جامعه است.

بسیاری از صاحب نظران و تحلیل گران سیاسی اعتقاد دارند، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به دلیل تجارب فراوان و قدرت چانه زنی مؤثر در عرصه های مختلف، همیشه به عنوان یک چهره تأثیرگذار برای ایجاد وحدت و اجماع بین جناح ها مطرح بوده و هست و از آنجا که بسیاری از مسائل و مشکلات ایجاد شده به تلاش و رایزنی های هاشمی رفسنجانی در این عرصه به عنوان سیاستمدار کهنه کار

انتخابات ریاست جمهوری سال آینده و رقابت احزاب و جناح ها برای در دست گرفتن نبض قوه مجریه، بخش عظیمی از اخبار و رویدادهای سیاسی کشور را در چند هفته گذشته به خود اختصاص داده است. در این میان مهم ترین اخبار و گزارش های مطرح شده مربوط به احتمال حضور مهندس موسوی یا هاشمی رفسنجانی بوده است. اما نکته قابل تأمل در این میان، پنهان کاری جناح ها و شفاف نبودن عملکرد انتخاباتی آنها و نیز استفاده از نامزدهای سایه برای فریب رقیب است.

"هاشمی دارای قلبی محافظه کار است، اما با ریه های اصلاح طلبی نفس می کشد!"

اگرچه براساس گزارش های دریافتی احتمال حضور مهندس موسوی در انتخابات ۸۴ ضعیف به نظر می رسد، اما نگاه مثبت برخی چهره های سیاسی به این انتخابات و چراغ سبز آنها برای حضور در عرصه رقابت، تا حدودی باعث شفاف سازی فضای سیاسی جامعه شده است.

یکی از مهم ترین خبرهای انتخاباتی موافقت ضمنی هاشمی رفسنجانی، محسن رضایی و علی اکبر ولایتی برای شرکت در انتخابات سال ۸۴ بود.

آبدیده و سخت‌کوش تبدیل شده است.

یکی از محورهای مورد بحث جناح‌ها در انتقاد به عملکرد هاشمی به دوران ریاست جمهوری او بر می‌گردد که به دوران سازندگی مشهور شد. رشد فساد اداری و اقتصادی، رواج اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی، ناکامی تورم و گرانی که ناشی از سیاست‌های تعدیل اقتصادی بود، همگی از جمله انتقادهایی است که منتقدان به دوران سازندگی داشته و دارند.

آرزوی بازگشت

... اما هاشمی این بار قصد دارد در انتخاباتی شرکت کند که دیگر نامزدهای قدرتمندی مانند خاتمی در آن حضور ندارند، او که می‌داند مهندس موسوی هرگز نمی‌تواند در حضور او عرصه رقابت ندارد، راحت‌تر از انتخابات مجلس ششم از دور به کرسی ریاست جمهوری چشم دوخته است. وی اگر چه به رسم تعارف‌های معمول در عرصه سیاست اعلام کرده که ترجیح می‌دهد شخص دیگری به عرصه اجرایی قدم بگذارد، اما در دل آرزوی بازگشت به دوران طلایی و سازندگی خویش را دارد. از این رو در شهر مشهد می‌گوید که اگر جامعه و صاحب‌نظران به این نتیجه برسند که من بهتر می‌توانم کشور را اداره کنم، به صحنه خواهم آمد. او همچنین اعلام می‌دارد: فعلاً وقت زیاد داریم باید صبر کنیم تا افراد مقبول آمادگی خود را اعلام کنند و من نظرم را حتماً در زمان لازم اعلام خواهم کرد.

طرح این مسایل از سوی هاشمی در حالی صورت گرفت که مهندس موسوی به طور قطع و یقین تصمیم نهایی خود را برای حضور در انتخابات اعلام نکرده بود، بنابراین وی منتظر می‌ماند تا تکلیف مهم‌ترین رقیب انتخابات سال ۸۴ تعیین شود تا با آرامش بیشتری به طرح نظرات و دیدگاههای انتخاباتی بپردازد.

حمایت و همراهی بعضی از اعضای جبهه دوم خرداد از هاشمی رفسنجانی برای جلوگیری از او و گرفتن مسئولیت در دولت آینده است

هاشمی که تجربه ناموفق حضور در انتخابات مجلس ششم را دارد، این بار ترجیح می‌دهد در انتخاباتی شرکت کند که تمامی جناح‌ها، شان و منزلت او را حفظ کنند و رقیب قدرتمندی نیز وجود نداشته باشد. زیرا در انتخابات سال ۷۸ او از شهر تهران نامزد شد، اما پیش از نهایی شدن آراء به دلیل مسایل و مشکلات به وجود آمده از حضور در مجلس انصراف داد، بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که دوباره حاضر به تکرار این تجربه تلخ نباشد.

هاشمی اما این بار در صورتی وارد عرصه رقابت خواهد شد که کاندیدای جناح خاصی نباشد. او که تأکید زیادی بر پیشبرد امور اقتصادی و سازندگی کشور دارد، پس از سال ۷۸ که مورد تبلیغات شدید

جبهه دوم خرداد قرار گرفته اینک می‌تواند فردی متفاوت برای آنها باشد.

در شرایط دشواری که امروزه دو جناح عمده کشور به آن مبتلا هستند یعنی بسیاری از تئوری‌های جناح چپ حمایت از هاشمی را اولویت خود می‌دانند زیرا می‌گویند او از سایر نامزدهای جناح راست ارزش بیشتری دارد در حالی که برخی دیگر مواضع او را نزدیک تر به جناح اصلاح طلب می‌دانند. از همین رو برخی از اعضای جبهه دوم خرداد را مطرح می‌کنند که هاشمی برای قلمی محافظه‌کار است، اما با رویه‌های اصلاح طلبی نفس می‌کشد.

البته حمایت برخی از احزاب جناح چپ مانند کارگزاران یا حزب اسلامی کار از هاشمی به معنای یکدست بودن رویکرد به وی نیست. قطعاً عناصری

در این اردوگاه قرار دارند که با تمام وجود از چنین ائتلافی نگران هستند، اما برای هاشمی شاید مناسب‌ترین گزینه حمایت تمامی احزاب از او باشند. اگر چه شخص هاشمی خود را فرد بی‌طرفی معرفی می‌کند و به ظاهر به فراچنانی بودن می‌اندیشد، اما مواضع وی در برابر برخی اصلاح‌طلبان باعث شده که او را به عنوان بخشی از جناح راست به حساب آورند.

شروط هاشمی

هاشمی اگر چه هنوز به طور رسمی و قطعی تصمیم خود را برای حضور در انتخابات اعلام نکرده، اما از برآیند مسایل می‌توان پیش‌بینی کرد که وی آمدن خود را مشروط به حمایت تمامی احزاب و جناح‌ها از خود کرده است. به عبارت دیگر او نمی‌خواهد فقط کاندیدای یک حزب یا جناح خاص باشد، زیرا هنوز ماجراهای مجلس ششم را فراموش نکرده است.

شرط دیگر او تعیین تکلیف کاندیداها و چگونگی حمایت جریان‌های سیاسی از آنهاست. او منتظر مانده تا تمامی چهره‌ها و نامزدهای انتخاباتی مشخص شوند و پس از موضع‌گیری آنها، تصمیم‌گیری کند. این تصمیم به‌ویژه در ارتباط مستقیم با آمدن یا نیامدن مهندس موسوی صدق می‌کند، او که در چند سال گذشته همواره به دلیل بروز اختلاف بین محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان مورد

پرتال جامع علوم انسانی



هجمه و انتقاد آنها قرار گرفته، این بار قصد ندارد قربانی نزاع جناحی شود و می‌خواهد خود را از این تنش‌ها دور نگه دارد.

هاشمی که علاقه عجیبی به اجماع نظر تمامی اجزای برای حضور خود در صحنه رقابت دارد (که البته قدری بعید به نظر می‌رسد) با الهام از تجارب قبلی و صدمه‌هایی که از محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان خورده است، با چهره‌ای متفاوت از سال‌های دوران سازندگی با نیم‌نگاهی به دوستان و حامیان خود که در حزب کارگزاران جمع شده‌اند، می‌خواهد بار دیگر ضمن به‌رخ‌کشیدن قدرت و اقتدار خود به مخالفان، در صورت ممکن به بازسازی فکری و تشکیلاتی کارگزاران که وی را در انتخابات مجلس پنجم همراهی کردند، بیاورد.

او که طعم تلخ تنش‌های جناحی را تجربه کرده اخیراً در اجتماع مردم مشهد تأکید کرد که با دعوای کودکانه، جناح‌بندی‌ها و هوس‌بازی نمی‌توان در مقابل مخالفان و دشمنان ایستاد، از همین رو است که او اعتقاد دارد در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده باید از تنش‌های بی‌مورد پرهیز کرد و به اجماع و وحدت رسید.

تأثیر و پیامدهای آمدن هاشمی

اداره قوه مجریه و کشور به دلیل درجه اهمیت بالایی که دارد با سایر انتخابات مانند مجلس شورای اسلامی تفاوت‌های اساسی دارد. اگرچه جوانگرایی در ترکیب مجلس می‌تواند مفید باشد، اما جایگاه و شأن قوه مجریه فراتر از این گونه مسایل است که اشخاص جوان و بدون تجربه بتوانند سکان‌دار هدایت آن شوند.

به عبارتی دیگر اولین پیامد حضور اشخاص با تجربه‌ای مانند هاشمی در صحنه انتخابات، تقویت حس اعتماد مردم است که سایر چهره‌ها و مسوولان جوان از آن بی‌بهره‌اند.

پیامد دیگر حضور هاشمی هر چند در ظاهر، اجماع نظر و همزیستی مسالمت‌آمیز اجزای و جناح‌ها در معادلات قدرت است، زیرا وی با بکارگیری چهره‌های شاخص سیاسی از تمامی جریان‌ها و ضمن جلب رضایت آنها، از قدرت کافی و لازم برای حفظ و انسجام دولت و جناح‌ها برخوردار خواهد بود. مصداق این امر، تغییر رویکرد برخی از مخالفان هاشمی و اتخاذ سیاست دوستانه‌تر با او است.



خاطر "مرد آهنین" را فراهم آورد. اما این بار اوضاع و احوال با زمان انتخابات مجلس ششم متفاوت است. دو قوه قضاییه و مقننه هم‌اینک در اختیار منتقدان دولت قرار دارد و دیگر خطری وی را تهدید نمی‌کند. لذا او می‌تواند با حمایت اجزای و جناح‌ها یک بار دیگر بر مسند قدرت تکیه زده و حامیان خود را در قالب حزب کارگزاران یا تحت عنوان جدید دیگری گرد هم آورده و سکان هدایت نظام اقتصادی و سیاسی کشور را به آنها واگذار کند.

تغییر رویکرد سیاست‌های نظام از اولویت مسایل سیاسی به مسایل اقتصادی و سازندگی و در حاشیه قرار گرفتن توسعه سیاسی، شاید از

پیامدهای دیگر حضور هاشمی در صحنه رقابت ارزیابی شود. مسلماً با آمدن هاشمی و تغییر کابینه، تغییرات عمده‌ای در سطوح سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رخ خواهد داد که مهم‌ترین نتیجه آن، چریک شدن سیاست‌های اقتصادی و اولویت آن بر سایر مسایل خواهد بود. هاشمی که بحث‌ها و تنش‌های بی‌حاصل ناشی از توسعه سیاسی را در دولت خاتمی به عینه مشاهده کرده می‌کوشد از این پس نقطه ثقل حرکت دولت را بر پایه اقتصاد قرار دهد.

... و سرانجام کاستن از حجم پرونده‌های قضایی و کاهش احضار نویسندگان و روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی به دادگاه به دلیل تعامل و ارتباط نزدیک‌تر با دستگاه قضایی می‌تواند به عنوان سایر پیامدهای حضور او در صحنه سیاسی کشور قلمداد

تأثیر دیگر حضور هاشمی در انتخابات علاوه بر داغ کردن فضای انتخاباتی و سیاسی جامعه، برقراری نوعی پیوند و دوستی بین دو جریان عمده کشور است که دامنه تنش آنها حتی گریبان هاشمی را نیز گرفته است. او که از هر دوی این جریان‌ها صدمه دیده این بار در صورت آمدن به صحنه رقابت برای حفظ وحدت و مقابله با دشمنان انقلاب که

در صورت حضور هاشمی رفسنجانی در عرصه انتخابات، معادله قدرت دستخوش تغییر و تحول خواهد شد

محافظه‌کاران همیشه از آن یاد می‌کنند، به سیاست ملأوا و صبر روی خواهد آورد، ضمن آنکه درصد بالایی از مشکلات قضایی و بازداشت نویسندگان و اربابان جرایم به دلیل اتخاذ سیاست‌های منطقی‌تر و ملایم‌تر وی، حل خواهد شد.

پایان حیات سیاسی برخی اجزای حاکم در کشور و آغاز دوران فعالیت حزب‌های دیگر حامی هاشمی می‌تواند از دیگر پیامدها و تأثیرات احتمالی حضور او در صحنه رقابت ارزیابی شود. به اعتقاد تحلیل‌گران یکی از مسایل و مشکلات اصلی هاشمی که در انتخابات مجلس ششم باعث انصراف وی از نمایندگی مجلس گردید، وجود همین اجزای و بمباران تبلیغاتی آنها علیه سیاست‌های تعدیل اقتصادی در دوران سازندگی بود که موجبات رنجش

شود. البته در این خیال باید اعلام کرد که کاهش برکنده‌های مطبوعاتی را نمی‌توان به منزله بهبود اوضاع مطبوعات دانست.

چالش‌ها و مشکلات

ایشان هاشمی به صحنه انتخابات علاوه بر دولت مشی که تازه با مشکلات و چالش‌هایی در ابتدای کار و خارجی همراه خواهد بود. مهم‌ترین چالش رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، شدت

باید حیات سیاسی برخی احزاب و احزاب حمایت‌های حزب‌ها و ائتلاف‌های جدید از پیامدهای حضور هاشمی رفسنجانی در انتخابات است

یافتن ائتلاف در اردوگاه محافظه‌کاران به دلیل تعدد کاندیداهاست. اگرچه هنوز اسامی نامزدهای این جناح به طور رسمی اعلام نشده، اما حضور آنها در صحنه رقابت به معنای عدم حمایت قاطع گروه‌های راست از هاشمی ارزیابی می‌شود. حضور کم‌رنگ دکتر ولایتی در صحنه رقابت که به اعتقاد بسیاری معنایی جز بی‌توجهی به هاشمی ندارد، را می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد.

از سوی دیگر حمایت برخی از اعضا و احزاب جبهه دوم خرداد از هاشمی رفسنجانی چالش دیگری است که محافظه‌کاران را با تردید روبرو کرده است. اگر چه ممکن است هدف از این کار، جلوگیری از اجماع حداکثری در جناح منتقد دولت باشد، اما به نظر می‌رسد دوم خردادی‌ها می‌خواهند با این حمایت ضمن دلجویی از او، به وجود ائتلاف در جناح منتقد تأکید کنند. آنها با این اقدام می‌خواهند در صورت ورود هاشمی به انتخابات و موفقیت او حداقل چند پست و سمت در کابینه داشته باشند. مجموعه این حمایت‌ها و تعدد نامزدها در بین محافظه‌کاران به هر حال مشکلی است که هاشمی را با تردید مواجه ساخته است.

علاوه بر این، بروز ائتلاف و شکاف بین جمعیت مؤتلفه با جمعیت ایثارگران را باید مشکل دیگر صحنه انتخابات ذکر کرد. به اعتقاد

صاحب‌نظران، تقریباً شماری از تشکل‌های موجود جناح منتقد دولت از جامعه اسلامی مهندسين گرفته تا جامعه زینبیه تقریباً زیرمجموعه حزب مؤتلفه به شمار می‌روند، در حالی که جمعیت ایثارگران در این میان ساز مخالف می‌زند و با مؤتلفه دچار اختلاف است. زیرا مؤتلفه بیشترین حمایت را از ولایتی و لاریجانی به عمل خواهد آورد. در صورتی که جمعیت ایثارگران به افراد دیگری گرایش دارد.

یکدست شدن قوا و مشکلات ناشی از آن، چالش دیگر هاشمی است. جبهه اصلاح‌طلبان که در موضع‌گیری‌های رسمی و غیررسمی خود بارها به خطرات ناشی از یکدست شدن قوا در کشور اشاره داشته و همیشه خواهان حضور فعال رقیب در صحنه سیاسی بود، وقوع این مساله را مغایر مردم‌سالاری دینی می‌داند و می‌گوید:

در صورت ورود هاشمی و پیروزی او در انتخابات، مسلماً تنش‌ها و درگیری بین دو جناح به دلیل غیبت یک جریان سیاسی قدرتمند بیشتر خواهد شد.

در این بین برخی از صاحب‌نظران به دلیل تفکر و نوع نگرش هاشمی به اقتصاد کشور، بسته شدن فضای سیاسی و تأخیر در توسعه سیاسی را از چالش‌های دیگر حضور هاشمی در انتخابات ارزیابی می‌کنند. آنها در مصداق گفته‌های خود تأکید هاشمی

بر سیاست تعدیل اقتصادی و توجه به سازندگی را مورد اشاره قرار می‌دهند و می‌گویند: ادامه اعمال این سیاست ممکن است علاوه بر دامن زدن به جو گرانی و تورم در کشور در کوتاه‌مدت، موجب افزایش نارضایتی مردم و افکار عمومی شود و شأن هاشمی را نزد مردم کاهش دهد.

چرخش قدرت و جایجایی افراد و نخبگان در چرخه حکومت معمولاً از ویژگی‌های بارز نظام‌های دموکراتیک است اما این بار در صورت حضور مجدد هاشمی در عرصه رقابت، این چرخه دچار رکود شده و از آمدن سایر افراد و چهره‌های فعال و کاری به کابینه جلوگیری خواهد شد، ضمن آنکه این شائبه را در بین مردم ایجاد می‌کند که در کشور قحط‌الرجال است و فقط یک یا چند شخص خاص باید عهده‌دار

پست‌های کلیدی و حساس نظام باشند.

... و بالاخره احتمال تضعیف سطح همکاری‌ها با سایر کشورها در بعد سیاست خارجی مشکل و چالش دیگری است که ذهن هاشمی و فعالان سیاسی را به خود مشغول کرده است. آنها منتقدند به دلیل رویکرد خاص هاشمی به سیاست خارجی، احتمال کاهش سطح مناسبات با سایر کشورهای منطقه و جهان وجود دارد. در واقع با ورود هاشمی هر چه که دولت خاتمی در عرصه دیپلماسی رسته پخته خواهد شد، این وضعیت را در دوران ریاست جمهوری هاشمی نیز شاهد بودیم که ایران در نوعی انزوای سیاسی قرار داشت. البته در این میان مشکلاتی نظیر رای دادگاه میکونوس را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که در سفرهای خارجی مشکل‌آفرین خواهد شد.

به هر حال با توجه به نکات ذکر شده چنین به نظر می‌رسد که در صورت حضور هاشمی در صحنه انتخابات، آرایش و فضای سیاسی کشور به کلی دگرگون خواهد شد و ضمن عزلت‌نشینی برخی از احزاب حاکم (مشارکت)، شاهد شکل‌گیری ائتلاف‌های جدید سیاسی و تقویت لایه‌های باقیمانده حزب کارگزاران خواهیم بود.

نکته قابل تأمل در این باب، تشدید اختلاف در اردوگاه محافظه‌کاران است. اگر چه حضور ولایتی و سایر نامزدها در عرصه رقابت به معنای توافق نداشتن این جناح روی یک شخص خاص ارزیابی می‌شود، اما اگر موسوی به طور رسمی و حتمی دعوت

هاشمی تجربه ناموفق و تلخ حضور در انتخابات مجلس ششم را به همراه دارد

اصلاح‌طلبان را نپذیرد (که نپذیرفته است) و شورایی نگرهبان هم تن به مشارکت حداکثری ندهد اختلاف در این جناح به اوج خود خواهد رسید زیرا افراد تندرو و افراطی در مقابل اکثریت منطقی و معتدل این جناح صف‌آرایی کرده و به موضع‌گیری خواهند پرداخت. به هر حال هنوز تا انتخابات ریاست جمهوری زمان زیادی باقی مانده است و باید به انتظار نشست تا دیدگاه جناح‌ها و اسامی کاندیداهای آنها اعلام شود تا در فرصت مناسب به تحلیل و نقد آنها پرداخته شود.